

# زبان فرهنگ ایران در چین

## علیقلی اعتماد مقدم

باشد بی گفتگو نام «چگل»، «ختا»، «ختن» و همچنین نام «افسوس» را شنیده است.

این بطوطه در شرح سفر خود به چین نقل میکند که در کشتی چینی امیر ناحیه کان سو در هنگامی که این شاهزاده چینی به افتخار مهمان خود بزمی در کشتی تفریحی خویش در روی رودخانه می داد ملاحان و خنیاگران این شعر سعدی را می خواندند:

تا دل به مهرت داده‌ام در بحر غم افتادم  
تا در نماز استاده‌ام گوئی به محراب اندری  
جالب اینجاست که هنوز بیش از پنجاه سال از مرگ سعدی نگذشته بود که آوازه او در چین به گوش می خورد و مردم آنجا با این زبان شیرین فرهنگی آشنائی فراوان می داشتند. همین این بطوطه نقل میکند که در خان بالغ (پکن) پایتخت چین، بزرگترین مرشد شهر خواجه برهان الدین ساغرچی نام داشت و او ایرانی بود و در بسیاری نقاط دیگر نیز روحانیون ایرانی پایگاهی بلند داشتند. همو می نویسد که نگهبانان سلطان عنوان «پاسوانان» (پاسبانان) را داشتند و دسته تیراندازان «سپاهیان» خوانده می شدند و به مأمورین انتظامات «دروودگران» می گفتند و شیخ بزرگ خان بالغ لقب «صدرجهان» داشت.

شرق شناسان در هانگ چو در کنار خلیج زرد یک کتیبه به زبان و خط فارسی یافته اند که هنوز هم هست و آن قصیده مفصلی است که نشان میدهد این مسجد بتوسط فخرالدین علاءالدین ترمذی ایرانی در زمان مینگ خاقان چین ساخته شده است و بنای آن در ۸۵۶ هجری پایان یافته است. اندکی پیش از این در سال ۸۲۲ که شاهرخ پادشاه ایران بود هیشی به ریاست غیاث الدین نقاش به سفارت خان بالغ فرستاده شد. در چین ساختمانهایی است که شاید از طرف ایرانیان یا با الهام از معماری ایرانی بنیاد گذاشته شده است.

چنانکه پیش از این در مقاله ای زیر عنوان «موسیقی در ایران و چین» یاد کردیم اگر چندین قرن به عقب برگردیم برای ما خیلی دشوار خواهد بود که بتوانیم نشان دهیم که سرزمین ایرانی زبانان تا کجا از سرزمین چین اصلی جدا می شود. آثاری که در این شصت ساله اخیر در تورفان و توئن هانگ پیدا شده است که از جمله چندین هزار نسخه های خطی نامه های دینی، ادبی، هنری و علمی میباشد روشنائی خیره کننده ای بر پژوهندگان تاریخ تمدن می افکند که هم چگونگی مردم این بوم را می نمایند و هم تاریخ تمدن ایران را روشنتر می کند. با آنکه مقدار زیادی از این آثار هنوز به چاپ نرسیده و انتشار نیافته ولیکن همین اندازه ای که در دست است به خودی خود برای نشان دادن اهمیت چنین فرهنگی کفایت می کند. در تاریخ اکتشافات و کاوش ها تاکنون چنین پیشینه ای دیده نشده است. جزء بسیار کمی در این آثار که در آن پژوهش شده و وقت گردیده تا نه قرن پیش از میلاد قدمت دارد. آثار جدیدتری که از سه قرن پیش از میلاد به بعدست و مربوط به آئین و مهر و کیش پلانی است نیز در میان این آثار دیده میشود.

از روزگاران بسیار کهن میان دوسرزمین پهنای و آباد ایران و چین بستگی خیلی نزدیک فرهنگی دیده می شود. از کوهستان پامیر که در قسمت شرقی فلات ایرانست رودخانه بزرگی سرازیر می شود و بطرف مشرق می رود. حوضه این رودخانه وسیع است و سرزمین پهنای را سیراب می کند. مردمان این بوم آباد با اهالی شمالی پنجاب و پامیر و با ایرانیان شمالی سعد و مشرقی غورستان همگونه بستگی داشته اند. در همین جاست که روزگاری یکی از بزرگترین کانونهای فرهنگی نژاد ایرانی بوده است. نام برخی از شهرهای آن همانطور که در قدیم بوده و در ادبیات فارسی ذکر شده است هنوز هم به چشم می خورد. هر کس که به ادبیات فارسی آشنائی داشته

هیثمی به ریاست سرهنگ کزلف (Kozlov) در قراخوتو مسجدی ویرانه کشف کرد که باید تاریخش را در قرن ۱۴ گذاشت. در این مسجد ویرانه قطعه‌هایی از دستنویس‌های فارسی پیداشد. این دومین مسجد کهنی است که در شرق دور می‌شناسیم ولیکن اسلام بی‌گفتگو خیلی پیش از این تاریخ در چین راه یافته است. در ۵۰ - ۷۴۹ یک پرستار (کشیش) چینی درباره وجود یک کوچ‌نشین ایرانی مهمی در «های نان» اشاره می‌کند. جهانگردان مسلمان در قرن نهم ذکر کرده‌اند که مسلمانان چه اندازه با بندرهای شرق دور آمیزش داشتند. اینک سندی که ارائه داده میشود ما را به یک قرن پیشتر از کهن‌ترین سندهای مربوط در شرق دور می‌کشاند:

در ۱۹۰۹ مجله چینی شن چو کوئو کوانگ (Chen tcheou Kouo Kouang) نسخه بدل یک صفحه دستنویس را که به خط عربی و چینی بود منتشر کرد. این نسخه بدل خیلی روشن نیست ولی متن فارسی آن خواناست:

جهانی خرمی با کس نماند

فلک روزی دهد روزی ستاند

جهانی یادگارست ما رفتی

به مردم نماند بجز مردمی

\*\*\*

گرد را حلم مامحت خواهد بود

روشن گم این دیده به دیدار تو زود

یعنی حلیف کرد دل من کی بود

پدرود منت تو ز من پدرود

این شعرهای متوسط، وزن ناجوری دارد و به خط نسخ نوشته شده که متعلق به روزگار پیش از تیموریهاست (قرن ۱۵).

به گفته پلیو (Pelliot) زبان بازرگانی که به ویژه در بندرهای خاور دور با آن سخن می‌راندند فارسی بود. یک کتیبه بزرگ اسلامی است که مربوط به ساختمان یا تعمیر یک مسجدیست که در محل پایتخت کهن مغولی در قرقورم پیدا شده است این کتیبه خیلی فرسوده شده و در آن هیچگونه تاریخی نمی‌توان یافت ولیکن بنظر می‌آید که مربوط به نخستین نیمه قرن ۱۴ باشد. این کتیبه به فارسی است و در کنار رود زرد اورخُن در مغولستان به دست آمده است.

در ۱۵۳۳ میرزا حیدر در تبت در شهر زونکا یک کتیبه چینی دید که ترجمه تبتی و فارسی آن همراهش بود. این آثار مربوط به دوره مغولی است. زبان فارسی در شرق و در آسیای میانه رواج داشت و بازرگانان در بندرها با آن آشنا بودند.

در زادگاه کنفوسیوس در پرستشگامین سو (Yen-tseu)

کتیبه‌هایی است که دوتای آنها نوشته‌هایی به فارسی دارد. یکی از آنها خیلی فرسوده شده است و دیگری آثاری از جمله‌های فارسی بر آن نقش بسته و آقای راس آنرا چنین خوانده است: «[یاد کرد مهر برین سنگ] [کسانی که [به این مکان با اسپها؟ قاید باین جهات] در نیابند] هنوز؟] زحمت نرسانید [احمدین حسین بن محمد بن حسن احمد] کرد [بدین سنگ؟ اگر بیرون فرستاد؟ مظفریاد؟]؟] به تاریخ [سنه]».

هر چند که از این کتیبه چیز مهمی دستگیرمان نمیشود ولی اهمیت آن سر جای خودش است. این کتیبه مربوط به سال ۱۳۰۷ است. اگر صفحه دستنویسی که یادش کردیم بطور اتفاق به دست ما رسیده است ولی کهن ترین نوشته‌ای که به خط عربی در چین می‌بینیم در خود زادگاه کنفوسیوس است. در شان تونگ (Chan-tong) در یک پرستشگاه تائوئی، کتیبه دیگری به چشم می‌خورد که مشابهت با این کتیبه دارد. برای این کتیبه یک فرمان کوتاهی از اوگتای قاآن نوشته شده که تاریخش ۱۲۳۵ است. در پایان فرمان نوشته‌ای به خط اسلامی دیده میشود. می‌دانیم که در مهردادخانه چنگیز خان و اوگتای قاآن ایرانیان به کار بودند و ازینرو وجود یک خط در فرمان به زبان فارسی شگفت‌آور نیست. ما می‌توانیم ببینیم که در زمان مغولها یک نوع خط کتیبه‌ای چین و ایرانی وجود داشته است.

باری در طول چندین قرن کشتیهای بازرگانی ایران بطور منظم از خلیج فارس و کرانه‌های شرقی افریقا و هندوستان به بندرهای چین آمدورفت می‌کردند. در قرن چهارم هجری ابوزید فارسی کتاب جامعی نوشت که در آن راه‌های دریائی ایران به هندوستان و چین مفصلاً شرح داده شده بود.

در کتاب سینو ایرانیکا (Sino-Iranika) که لوفر (Ch. Laufer) گرد آورده و در ۱۹۱۹ در نیویورک منتشر شده، ذکر اصطلاحات و کلماتی را می‌کند که از زبان فارسی به چینی یا برعکس راه یافته است.<sup>۱</sup>

در این مقاله مختصر از کتابها و مجله‌های زیر استفاده شده است:

۱- ایران کوده شماره ۱۵ «تقویم و تاریخ در ایران» از ذ. بهروز.

۲- ایران کوده شماره ۱۸ «تقویم نوروزی شهریاری» (شسی قمری فرسی) از ذ. بهروز.

۳- مجله موسیقی. مقاله‌ای زیر عنوان «موسیقی در ایران و چین» از نگارنده.

۴- ژورنال آسیاتیک «کهن‌ترین آثار خط عربی در چین» از پلیو (Pelliot)

۵- جهان ایران‌شناسی تألیف شجاع‌الدین شفا (که هنوز به چاپ نرسیده است و امید است که بزودی انتشار یابد).